

# پیشاهنگ نوآوران

• اوژن یونسکو

■ ترجمه: دکتر جلال ستاری



من فقتان میرچالیاده عزیزم را هنوز به دردناکی احساس می‌کنم. جایش همیشه برایم خالی خواهد بود، همچنین برای حیات عقلانی و زندگانی معنوی کره ما. من میرچالیاده را در بوخارست بیش از نیم قرن پیش، در بازگشتش از هند شناختم. در آن دوران که هنوز بسیار جوان بود شهرت فوق‌العاده‌ای داشت و کسی که در آن روزگار «رهبر فکری نسل جوان» نامیده می‌شد. مرعوبش بودم. بعدها یک تن از مهم‌ترین رهبران فکری روشنفکران جوان غرب، خاصه آمریکایی و نیز فرانسوی شد. میرچالیاده ارزش اسطوره و اندیشه اسطوره‌ای را که اذهان کوچک، بسیاری اذهان کوچک بی‌نصیب از تفکر متافیزیکی آن‌ها را دروغ و فریب و افسانه و قصه یا داستان می‌پنداشتند احیا کرد. برای شناخت این گونه اذهان تنها کافی است که نام یک تن از آنان را ذکر کنم: رولان بارت.

در نظر یاده، اسطوره البته هیچ‌گاه چیزی جز داستان و افسانه نبود، اما افسانه‌ای نمونه و ساختار اندیشه و مثال (Idee) به معنایی که افلاطون از آن مراد می‌کند و صورت مثالی (archtype) و مفصل و پیوند و سر و راز، او حقیقت اسطوره‌ای را ضد اینتولوژی، انبوه اینتولوژی‌هایی که اذهان رامسموم کرده‌اند می‌دانست و یا به بیانی دیگر زیر توده و پشته اینتولوژی‌ها، اسطوره پنهان، اسطوره مضمون و نهان شده را کشف می‌کرد و این چنین به عنوان مثال، کاشف به عمل می‌آمد که آنچه پس از پایان تاریخ در ورای تاریخ به اعتقاد مارکسیست‌ها سوسو می‌زند، چیزی جز پنداره تباه شده باغ عدن پیش از هبوط انسان نیست که مارکسیست‌ها آن بهشت را در همین خاکدان می‌جویند، به اشتباه کورمال کورمال و در ظلمت اذهانشان، یاده در اندیشه ترقی خواهانه و پیشرو، اسطوره صعود و بالاطلی و رفعت خاص اندیشه تاریخ‌گرایان را که مفهومی رؤیایی و خیالی است، باز می‌یافت و بر آفتاب می‌انداخت و غیره.

زیرا میرچالیاده با نوشته‌های تأویلی (hermeneutique) می‌توانست رموز متون را دریابد و معانی ژرفی را که ذهنیت مدرن در آن گم و بیراه می‌شود به درستی تفسیر کند و روشن سازد. یاده در زیر آنچه می‌پوسد و فساد می‌پذیرد چیزی را که واضح و بدیهی است و

# آرمان اندیشی مزدایی

● محمد رضایی راد  
■ مبانی اندیشه سیاسی  
در خرد مزدایی  
■ ناشر: طرح نو



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اندیشه سیاسی، در ایران باستان مبانی خود را از آرمان گرایی خرد مزدایی کسب می‌کرد. کتاب حاضر پنج بنیان نظری برای این اندیشه سیاسی برمی‌شمارد که هر پنج بنیان در هاله‌ای از آرمان اندیشی مزدایی به چشم می‌آیند. در واقع آیین مزدیسنا با تدوین و تمهید بنیادهایی اساطیری و معنوی برای این مبانی، می‌کوشید هرچه بیشتر بر تقدس و جزمیت آنها بیفزاید. این مبانی پنج‌گانه به تفصیل در کتاب حاضر مورد پژوهش قرار می‌گیرند و عبارتند از:

- نبرد کیهانی خیر و شر به عنوان غایت حیات انسان مزدایی
- الگوی نظم آسمانی (آشه) و تلاش برای استقرار آن در هستی اجتماعی
- آرمانشهر و تاثیر آن در کلام سیاسی مزداییان
- شاه آرمانی و شبیه ساختن آیین شهریار به آن، به عنوان عامل اجرای نیت آرمانی
- مراتب سه‌گانه اساطیری در هستی سیاسی و طبقات اجتماعی مزداییان

در این کتاب هم‌چنین کوشش شده است از طریق جست و جوی پایه‌های خرد سیاسی مزدایی در فلسفه سیاسی افلاطون، تفاوت و تشابه فلسفه سیاسی فیلسوف یونانی با کلام سیاسی مزدیسنا نمایانده شود. بنیان‌های فوق‌الذکر در چهارچوب اندیشه سیاسی ایران باستان تدوین شده‌اند، اما پس از آن نیز با تغییر صورت به هستی خویش ادامه دادند، چنان که بسیاری از مسائل اساسی کلام و فلسفه سیاسی هم‌چون جدال فرجامین، نجات‌بخشی، ولایت معنوی جامعه و مدینه آرمانی قابل جست و جو در خرد مزدایی است.

پوسیدنی و فسادپذیر نیسته واقعبیت و قناست را باز می‌یافت. اینک از بازگشت قناست بسیار سخن می‌گویند. ایاده شاید پیامبر و بانی و پیشاهنگ این تجدید عهداست. مالرو می‌گفت قرن بیست و یکم دینی است وگرنه هیچ نیست. قرن بیست و یکم به برکت ایاده و از دولت تعلیماتش دینی خواهد بود.

میرچالیاده، به ما آموخت که وحی و تنزیل‌های عدیده ادیان، همه مبین یک چیز واحدند که همان‌ووحی اصلی و اساسی است. منظورم این است که با مطالعه آثارش منجمله تاریخ ادیان، در می‌یابیم که ادیان، سنن متکثر حقیقی یگانه‌اند. ماسون - اورسل (Masson-Oursel) که می‌توان پیشاهنگ میرچالیاده دانستش، در کتابی مربوط به ادیان تطبیقی که امروزه اندکی فراموش شده است، در ادیان مختلفه همانندی‌ها و مشابهت‌هایی می‌یافت که گواه بر جستجو وطلبی مشترک میان همه آنهاست.

با مطالعه (تفسیر) عقل سرخ و دیگر نوشته‌های هنری کرین درباب عرفای ایرانی و صوفیه، در می‌یابیم که تجارب عرفانی و خلسه‌ها و اشراقات مسلمانان باطن‌گرا و صاحب معرفت خفی با خلسه‌ها و اشراقات (فی المثل) (برخی خنجاویان مسیحی) و یا بعضی زاویه‌نشینان فرقه معتکف در کوه کرمل (Carmelite) هیچ تفاوتی ندارد. من آن بصیرت را ندارم که بگویم چگونه ایاده مثلاً با دو مزیل (Dumzil) از سوی و شخصیت‌هایی همانند یونگ از سوی دیگر، ما را به دانش سنتی و کهن‌آیین و به راه قدسی معرفت خفی و ماوراء تاریخی رهنمون می‌شود.

در میان همه ادیانی که ایاده به مطالعه و بررسی آنها پرداخته‌است گویا ادیان خاور دور و خاصه کیش برهمنی را بیشتر می‌پسندیده است. ایاده در فنون مختلف خلسه و مراقبه و مشاهده یعنی بودیسم تبتی و شمعی‌گری پژوهش کرده و آنها را به دنیای غرب شناسانده است. کتابش درباب یوگا، مدرسی است. دیگران بهتر از من از آن سخن خواهند گفت و آثار ادبی‌اش را نیز که بسیار مهم‌اند و معلوم می‌دارند که چگونه امر فوق طبیعی ممکن است در زندگانی هر روزینه بگنجد، از یاد نخواهند برد.

من نمی‌توانم سخن را به پایان برم بی آنکه در برابر کریستینل (Christinel) همسر ایاده، شریک باوقافیش در زندگانی، از خود گذشته فناکاری که سال‌های سال یار و پشتیبانش بود و بسی دوستش داشته سر تعظیم فرود نیاورم. من یاد ایاده، دوست فراموش نشدنی‌ام را گرامی می‌دارم. در غم و اندوهم از همه کسانی که به من اجازه دادند که بگویم او را دوست داشتیم، می‌ستودیم، حرمت می‌نهادیم و باری دیگر بگویم که جای ایاده چه معنا و چه از لحاظ عاطفی، در کنار همه ماهواره خالی خواهد بود. سپاسگزارم. اما آثار بس غنی و گسترده‌اش در دست ماست.

پانویس:

۱- ترجمه خطابه‌ای که اوژن یونسکو در رئای میرچالیاده در آغاز مراسم بزرگداشت وی که مرکز زرژ پمپینو در روزهای ۱۷ و ۱۹ ژوئن ۱۹۸۷ برگزار کرد خواند. نگارنده در آینده در دفتری به تفصیل از میرچالیاده سخن خواهد گفت. استاد میرچالیاده در آوریل ۱۹۸۶ درگذشت (م).